وسط هفته

گپ‌وگفتی با شهداد روحانی

جامعه‌ای که ریشه‌های هنرش را مستحکم نکند نمی‌تواند سالم باشد

| طرح نو | رضا نامجو | شهداد روحانی یکی از نمایندگان شناخته شده ایران در عرصه موسیقی کلاسیک جهان است. روحانی مدت‌ها، وظیفه رهبری ارکستر «یانی» آهنگساز شناخته شده یونانی را به عهده داشت. او سال‌هاست در خارج از ایران زندگی می‌کند. با این وجود معمولا چندماه در سال را به کشور بازمی‌گردد و فعالیت‌هایی نظیر برگزاری کارگاه‌های آموزشی موسیقی و البته اجرای پروژه‌های وطنی را انجام می‌دهد. «شهروند» با آهنگساز «سونیت سمفونی خلیج فارس» گپ و گفتی صمیمی داشته که شرح آن را در ادامه می‌خوانید:

• در مورد مهم‌ترین نکته‌ای که امروز در جامعه ایران (خصوصا در مورد جوان‌ها) ذهن شما را به خود مشغول کرده صحبت کنید.

وقتی جوان‌های مملکتم را می‌بینم و وقتی استعدادهایی را می‌بینم که حتی در موفقیت‌های سخت هم به خوبی خود را نشان می‌دهند به آینده کشورم امیدوار می‌شوم. نکته‌ای که ذهنم را در مهم‌ترین نقش را در این بین دارد. در کل وقتی علاقه‌مندان و نوابغ ایرانی را می‌بینم به شدت به آینده امیدوار می‌شوم.

• در حوزه موسیقی وضع این استعدادها چگونه‌است؟

اخیرا در تهران کلاس رهبری ارکستری برگزار کردم و در خلال همان کلاس بسیاری از باورهایم در مورد این جوان‌ها دوباره به من ثابت شد. علاقه و استعداد این سرمایه‌ها را باید پرورش دهیم. معتقدم جامعه‌ای که ریشه‌های هنر را در درونش مستحکم نکند نمی‌تواند جامعه سالم و شادی باشد. اگر بتوانیم زمینه را برای رشد هنر و هنرمند در مملکت‌مان فراهم کنیم تأثیر مستقیم این حمایت را در نسل‌های آینده و بهبود وضع اجتماع خواهیم دید.

• از اینها اگر بگذریم، حال و احوال این روزهای خودتان چطور است؟

حال من وقتی به ایران می‌آیم خیلی خوب است. این همه، همو طن و هموفرهنگ را در یک جا دیدن باید هم حال آدم را خوب کند! (بسا لبخند) البته رانش را بخواهید این خوشحالی یک روی دیگر هم دارد. برای من غمگین شدن روی دیگر سکه به ایران آمدن است. به نظرم در برخی از زمینه‌ها قدر جوان‌هایمان را نمی‌دانیم. به هدر رفتن این شوق، امید و زندگی برایم غمگین کننده است.

• اگر بخواهید در مورد مهم‌ترین ویژگی شهداد روحانی صحبت کنید از کدام یک از ویژگی‌های او حرف می‌زنید؟

اصولا آدم خوشبین و امیدواری هستم. دقیقا به همین خاطر هم هست که به آینده ایران امید بستم.

• اگر به گذشته و سال‌هایی که سپری کرده‌اید باز گردید کدام یک از کارهایی که انجام داده‌اید را تکرار نخواهید کرد؟ اگر دوست دارید کمی از خودتان انتقاد کنید.

می‌خواهم سوالتان را به گونه‌ای دیگر پاسخ دهم. تنها کاری که حالا که به عقب برمی‌گردم از انجامش و قدم گذاشتن در درون جاده دور و درازش خوشنودم، فعالیت‌هایم در زمینه موسیقی است. این اقدام دلچسب را مدیون پدرم «رضا روحانی» می‌دانم، به آن خاطر که از دوران کودکی به شدت تشویقم کرد و برایم این امکان را فراهم کرد که در جاده پرفراز و نشیب موسیقی قدم بردارم. بنابراین از بقیه کارهایی که انجام دادم‌ام پشیمانم. موسیقی تنها حرکت مثبت من در زندگی بود. بقیه کارهایی که انجام داده‌ام سراسر بیهوده‌بودند.

• به نظرتان بزرگترین نکته‌ای که انسان‌ها باید در زندگی به آن توجه کنند چیست؟

تنها چیزی که می‌توانم بگویم آن است که وقتی آدم در کارش صداقت داشته باشد (مهم نیست چه کاری انجام می‌دهید مهم آن است که صداقت را در کارتان بروز دهید) آن کار موفق می‌شود و انسان هم در آن زمینه حتما پیشرفت می‌کند. در تمام کارهایی که تاکنون در عرصه موسیقی انجام داده‌ام سعی کرده‌ام فرد صادقی باشم.

• در مورد همکاریتان با «یانی» خاطره‌ای دارید که دوست داشته باشید در موردش برایمان صحبت کنید؟

یادم می‌آید برای کنسرت گروه «یانی» که در «آکروپلیس» برگزار شد ۹ سالی بود که دست به ساز ویولن نزده بودم. قرار گذاشته بودیم برای بخشی از برنامه از ساز ویولنسل استفاده کنیم. دیدم فقط دارم رهبری می‌کنم و از سویی تنظیم همه آهنگ‌ها به عهده من است. کسی هم که حرفه‌ای نباشد اصلا این ماجرا را نمی‌بیند. از اول تا آخر برنامه هم که پشتمان به مردم است. یک قسمتی هم هست که در ویدیو یا در واقع در «فاینل کات» نگذاشته‌اند، اما من خودم ویدیویش را دارم. در آن بخش یانی به مردم می‌گوید که «من در این جا از شهداد می‌خواهم که بیانو بزند و من رهبری کنم. من از کودکی آرزو داشتم مثل شهداد رهبری کنم و حالا می‌خواهم این کار را انجام بدهم»، در حقیقت رهبری یانی حالت نمایشی داشت. برای آن بخش آخر، ما «دونوازی ویولن» درنظر گرفتیم. من به یانی گفتم که خودم می‌توانم این کار را انجام دهم، اما باید فرصتی برای تمرین داشته باشم. برای یک ماه در لس‌آنجلس معلم ویولن گرفتم. دوباره شروع کردم و بعد از یک ماه آماده شدم و شد آن اتفاقی که بسیاری از مردم در کنسرت آکروپلیس دیدند. همه روزنامه‌ها در آن روزها نوشتند که آن بخش، «های‌لایت» برنامه بود و من هنوز آن روزنامه‌ها را نگه داشته‌ام. خوشحالم که این قدر گل کرد. به‌خصوص این که من قبل از نواختن آن بخش، تمام مدت در حال رهبری بودم در حالی که «کاریج» تمام وقت در حال نواختن بود. آن هم اجرای زنده و بداهه‌نوازی که واقعا کار را مشکل‌تر می‌کرد. این خاطره هنوز هم در ذهنم هست و به‌عنوان یکی از نکات جالب و ماندگار در سراچه ذهنم ثبت و ضبط شده است.

• با وجود این که سال‌هاست در خارج از کشور زندگی می‌کنید و تاکنون فعالیت‌های بزرگ موسیقایی برای کشورمان انجام داده‌اید. سمفونی «خلیج فارس» که چندسال پیش به روی صحنه رفت از جمله کارهای ماندگار شماست. باز هم از این کارها انجام می‌دهید؟

سوئیت سمفونی «خلیج فارس» در کشورهای مختلف دنیا در حال اجرا شدن است. به نظرم این اتفاق رویداد مثبتی است. هم‌اکنون در شرف نوشتن قطعه دیگری هستم که امیدوارم به محض آن که به مراحل انتشار رسید بتوانم خبرش را رسانه‌ای کنم. در مورد فعالیت‌هایم هم باید بگویم، کمابیش مثل سابق به‌عنوان رهبر مهمان به کشورهای مختلف دنیا دعوت می‌شوم. اخیرا در خاورد ور برنامه داشتم.

• آقای روحانی! برخی از حوادث اجتماعی هستند که بروزشان لرزه به اندام همه می‌اندازد. عکس‌العمل شما به‌عنوان یک هنرمند در مواجهه با این اتفاق‌ها آن هم در کشور خودتان ایران، چگونه‌است؟

تاریخ ثابت کرده در جوامعی که با محدودیت و مشکل مواجه هستند هنر به طرق دیگری رشد می‌کند. اما اتفاقات اجتماعی که هم‌اکنون در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها با آنها مواجه می‌شوم مرا به حسرت و اندوه وا می‌دارد. امیدوارم با گذشت زمان کمتر شاهد شنیدن خبرهای بد باشیم. نامی از آن اتفاقات نمی‌آورم چراکه همه می‌دانند دارم در مورد چه اتفاقاتی صحبت می‌کنم.

امیدوارم با کم شدن و به صفر رسیدن این حوادث اندوه مردم ما کمتر شود و بتوانند با امید و شادی در کشورشان زندگی کنند.

خودانتقادی

باید از خودمان حساب بکشیم

نجفقلی حبیبی
استاد دانشگاه

انتقاد از خود در مورد رفتارهایی که در طول روز از هر کدام از ما سر می‌زند یک امر طبیعی و البته مثبت است. بارها پیش می‌آید که در جایی جملاتی می‌گوییم و بعد از طرح آنها پشیمان می‌شویم. این موضوع در قالب گفت‌وگوهای روزانه ما هم اتفاق می‌افتد. بارها پیش آمده که به خودم بگویم کاش فلان جمله را نمی‌گفتم یا آن را به صورت دیگری مطرح می‌کردم. بنابراین این انتقاد درونی را بارها از خود انجام داده‌ام. خیلی از مواقع با درونم جر و بحث می‌کنم تا بتوانم به یک داوری منصفانه و قابل تأمل در مورد «نجفقلی حبیبی» برسم. در برخی مواقع در مورد یک موضوع خاص داوری کردم اما با فاصله گرفتن از جو ایجاد شده، با خودم گفتم‌ای کاش در مورد این موضوع داوری نمی‌کردم. اینها اتفاق‌های کوچکی هستند که در زندگی همه ما رخ می‌دهند اما آنچه در این بین اهمیت دارد درس گرفتن از این گونه رفتارهاست. شخصا در برخی مواقع توجه کافی به عکس‌العمل‌هایم ندارم. همین ایام ذهن من مشغول آن است که به سمت تعادل برویم و با یکدیگر مهربان‌تر باشیم. خط و خط‌بازی تا به امروز به ما و ایران‌مان آسیب‌های فراوانی وارد کرده است و بهتر است تا آن جا که ممکن است از این رویکرد فاصله بگیریم. گاهی اوقات دوست‌هایمان را به خاطر همین خط بازی‌ها جابه‌جا می‌کنیم. این روزها به کلنجار رفتنم با خویشتن می‌گذرد. از خود می‌پرسم چه می‌شود اگر الفت و دوستی با یکدیگر را افزایش دهیم. شما به گونه‌ای می‌اندیشید و من با روش دیگری، اما مهم آن است که همه آدم هستیم و هر روز یکدیگر را می‌بینیم. باید تا انجایی که ممکن است رفتارهای خودمان را تصحیح کنیم. می‌شود کارهای نادرستی را که انجام می‌دهیم یادداشت و روی آنها کار کنیم.

از خودمی‌پرسم چه می‌شود اگر الفت و دوستی با یکدیگر را افزایش دهیم. شما به گونه‌ای می‌اندیشید من با روش دیگری، اما مهم آن است که همه آدم هستیم و هر روز یکدیگر را می‌بینیم. باید تا آنجایی که ممکن است رفتارهای خودمان را تصحیح کنیم. می‌شود کارهای نادرستی را که انجام می‌دهیم یادداشت و روی آنها کار کنیم

در صورت توجه به این رفتارها به سلوک رفتاری که در عرفان وجود دارد، رسیده‌ایم. در آن جا به مفهومی به نام مراقبه و محاسبه مواجه می‌شویم. هر شب که به رختخواب می‌رویم باید از خودمان حساب بکشیم که در ارتباط‌هایمان چه کارهای بد و چه کارهای خوبی انجام داده‌ایم. از قدیم الایام علمای ما به این مفهوم پرداخته‌اند که بعد از حساب کشیدن از خود سعی کنیم رفتارهای بدمان را تکرار نکنیم. درواقع باید از خودمان و رفتارمان مراقبت کنیم. باید بتوانیم با خودمان شرط ببندیم که دست به چنین رفتارهایی نزنیم. این کار در رفتارهای اجتماعی ما لازم است. مرتب باید این کار را با خودمان زمزمه کنیم بلکه با دمان نرود و به آنها عمل کنیم. اگر به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم با یکدیگر بهتر باشیم، با خدا هم بهتر خواهیم شد.

با هفته کتاب

نباید فرصت نقد را از خود بگیریم

عبدالرضا مظاهری
استاد دانشگاه

یکی از معضلات ما در حوزه کتاب (که به نظر من بیشتر شبیه یک گره‌کور است) این است که ما بیش از یک‌میلیون دانشجو یا داوطلب ورود به دانشگاه و ۶میلیون تحصیلکرده داریم، اما شمارگان چاپ کتاب عموما حدود یکهزار نسخه است. حتی گاهی ممکن است این کتاب‌ها سال‌ها بعد از چاپ به فروش نرسد. اگر مردم طرفدار علم و دانش هستند چرا در حوزه خرید کتاب ضعیف عمل می‌کنند. آیا ایرانیان به خاطر علم و دانش اندوزی است که وارد دانشگاه می‌شوند یا اصولا علاقه‌ای به دانش‌اندوزی ندارند یا این که مشکل از کتاب‌های چاپ شده‌ای است که در ارتباط با مشکلات روز جامعه خود نیستند؟ در کشوری مثل کره‌جنوبی یا ژاپن شمارگان چاپ اول کتاب معمولا ۴۰ تا ۵۰هزار نسخه است. مسئولان باید این معضلات را کاوش و بررسی کنند. مشکل دیگری که دانشگاه‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد باید در صدد حل آن باشند این است که در کشور ما بیش از ۷۰۰ شهر وجود دارد که همگی دارای کتابخانه‌های عمومی‌اند. دانشگاه‌ از راه، سراسری، پیام نور و... هم در هر کدام از این شهرها وجود دارند، به این ترتیب اگر برای هر کدام از این کتابخانه‌ها یک نسخه از یک عنوان خاص خریداری شود، نه تنها تیراژ هزار یا دوهزار تا در کتابفروشی‌ها نمی‌ماند بلکه کفاف این همه کتابخانه را نمی‌دهد. حالا شما کتاب‌هایی را هم که به‌صورت شخصی خریداری می‌شود اضافه کنید و ببینید چه خواهد شد. چه اتفاقی می‌افتد که حتی یک نسخه از این کتاب‌ها برای ارشاد یا کتابخانه‌ها خریداری نمی‌شود؟ مشکل دیگری که وجود دارد در گزارش‌های ارایه شده توسط مسئولان است. هرسال تلویزیون و وزیر محترم ارشاد گزارش‌هایی را ارایه می‌دهند مبنی بر این که فلان میلیارد تومان بن کتاب برای تحقق هدف کتابخوانی به مردم و دانشگاهیان اهدا شده است. خود بنده جزء اهل قلم به حساب می‌آیم و تالیفاتی داشته‌ام. با این وجود من و دوستان دیگرم تاکنون یک ریال از بن کتاب بهره‌مند نشده‌ایم. اینها رانت‌هایی است که در علم و دانش این مرز و بوم وجود دارد و باید حل شود. مشکل دیگری که نیاز به حل دارد و انشاءالله دولت تدبیر و امید در صدد رفع آن برخواهد آمد، این است که انجام طرح‌های پژوهشی که توسط اساتید ارایه می‌شود عموما به دست یک دانشجوی لیسانس یا فوق‌لیسانس می‌افتد و به نوعی با یک سرهم‌بندی مواجه می‌شویم. این درحالی است که غالب طرح‌های ارایه شده متناسب با نیاز جامعه است و می‌توان از آنها استفاده‌های بسیار زیادی کرد. این دقیقا همان مشکلی است که در ارتباط بین صنعت و دانشگاه هم سال‌ها با آن درگیر بوده‌ایم. انجام طرح‌های پژوهشی علاوه بر مشکلات اداری چندین ماهه، به دست یک کارمند می‌افتد. بنابراین یک استاد باید برای دفاع از طرحش پیش یک کارمند- که ممکن است اصلا در آن موضوع تخصصی نداشته باشد- دلیل بیاورد. در چنین شرایطی، طرحی که از ابتدا قرار بود یک کار پژوهشی باشد به یک کار اداری مبدل می‌شود و در کشاکش این رفت‌وآمدها، پژوهشگر از نفس می‌افتد و امکان ادامه تلاش را در خود نمی‌بیند. در هر یک از ادارات که برویم خواهید دید هر کدام از آنها برای خود یک قسمت پژوهشی تشکیل داده‌اند که به‌صورت اداری مشکلات را حل می‌کند. این درحالی است که من پژوهشگر انتظار دارم طرح‌ها واقعا پژوهشی باشند. یکی از محسنات بزرگی که دولت کنونی دارد این است که انتقادپذیر است. دکتر روحانی شخصا نقد را پذیرفته است. ما نیز باید فضای نقد را بپذیریم تا افراد اهل علم بتوانند سخن بگویند و خود سانسوری را کنار بگذارند. باید فضای آرام علمی و پژوهشی باز شود تا اهل علم به میدان بیایند و حرفشان را بزنند. نباید فرصت نقد را از خود بگیریم و بعد افرادی که در ادارات هستند بیایند و مصاحبه‌های زیبا و اداری پسند انجام دهند و کارها را به ظاهر حل کنند. بعضی از دوستان با این کارها نقدهای عالمانه را خنثی می‌کنند و به‌ظاهر خود را دوستدار علم و دانش نشان می‌دهند. تمام کتاب‌های علمی که تاکنون نگاشته شده، بدون حمایت جدی از طرف هیچ ارگانی و صرفا با اراده و علاقه شخصی به محصول رسیده است. به‌نظر من هنوز هم که هنوز است، هیچ وزارتخانه و دانشگاهی از پژوهشگر حمایت نمی‌کند. این قضیه تا آن جا پیش رفته که پژوهش درآمد کمتری از تدریس دارد.

مابیش از یک‌میلیون دانشجو یا داوطلب ورود به دانشگاه و ۶میلیون تحصیلکرده داریم، اما شمارگان چاپ کتاب عموما حدود یکهزار نسخه است. حتی گاهی ممکن است این کتاب‌ها سال‌ها بعد از چاپ به فروش نرسد. اگر مردم طرفدار علم و دانش هستند چرا در حوزه خرید کتاب ضعیف عمل می‌کنند. آیا ایرانیان به خاطر علم و دانش‌اندوزی است که وارد دانشگاه می‌شوند

یک طرح پژوهشی نیازمند سال‌ها هزینه و کار و صبر است تا از هزار طرح ارایه شده، یکی به سرمنزل مقصود برسد. اما چون شرایط اداری محور بوده تا طرح را ارایه می‌دادیم از ما گزارش می‌خواستند. گاهی یک طرح نیازمند ۲ تا ۳ سال فرصت است تا به هدف برسد. اینها نقاط ضعفی هستند که امید می‌رود دولت فعلی آنها را رفع کند. اگر علم و پژوهش را محور کار قرار دهیم می‌توانیم قدرت را به دست بگیریم و مجبور نباشیم جلو بیگانه سر خم کنیم. نکته مهمی که از معضلات علوم انسانی است این که برخی دست‌اندرکارانش، خودشان علوم انسانی را نمی‌شناسند. برخلاف نظرات بعضی، به نظر من وضع ما در علوم انسانی خیلی بهتر از علوم پایه و فنی و... است. هر بحثی که در خارج از کشور طرح شده را دانشمندان ما در داخل پاسخ می‌دهند و اینها البته کاملا خودجوش انجام می‌شود. دولت باید برای حمایت از اهل علم وارد میدان شود.

امروز با مولانا

خود ضمیرم را همی‌دانست او
زانک سمعش داشت نور از شمع هو
بود پیشش سر هر اندیشه‌ای
چون چراغی در درون شیشه‌ای
هیچ پنهان می‌نشد از وی ضمیر
بود بر مضمون دل‌ها او امیر

یک خبر | یک نگاه

از قاچاق پرندگان تا فرسایش خاک

محموله حمل غیر قانونی شامل ۱۴۰ شاهین و ۲۴۰ هوبره در آب‌های چابهار توقیف شد. محمودی مدیر کل حفاظت محیط زیست سیستان‌وبلوچستان ضمن اعلام این خبر گفت: ۲۳ آبان ماه نیروی انتظامی منطقه چابهار با همکاری یگان حفاظت محیط زیست سیستان‌وبلوچستان پس از بررسی و بازدید از یکی از لنج‌های عبوری تعداد ۱۴۰ قطعه انواع پرندگان شکاری از نوع گونه شاهین و تعداد ۲۴۰ قطعه پرنده از نوع گونه هوبره که همه آنها از پرندگان حفاظت شده و تحت حمایت سازمان محیط زیست بودند، کشف و ضبط شد. بر اساس گفته‌های محمودی محموله بالا، بزرگترین محموله پرنده های شاهین و هوبره در جهان بوده است.

این در حالی است که کارشناسان معتقدند نابودی مراتع و زیستگاه‌ها، صدمات زیادی را بر حیات وحش در حوزه شرق وارد کرده است. شنیدن این خبر شنونده را به سمت توجه به چرخه طبیعی اکوسیستم متوجه می‌کند. از بین رفتن پرنده‌ها به عنوان نقش معیاری در تعادل اکوسیستم‌ها از جمله موارد است که می‌تواند بر پیکر حیات وحش، ضربات محلکی را وارد کند. پرندگان در راستای کنترل برخی آفات طبیعی نیز نقش دارند و بر همین اساس از جمله عوامل موثر در حفاظت از محیط زیست به حساب می‌آیند. تقلیل در توازن زنجیره غذای طبیعی و تقلیل در نسل پرندگان شکاری، ازدیاد نسل جوندگان از جمله موش‌های صحرایی را به بار به بار می‌آورد. این موضوع ممکن است باعث قطع ریشه های درختان و فرسایش خاک شود.

برش

موکد باشید

| کاترین باندر |

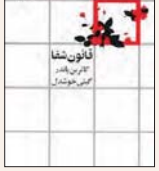

نباید با اندیشه‌ها و کلام و دعاهایی آرام یا وضعیتی دشوار روبه‌رو شوید و انتظار ثمره رضایت‌بخش را داشته باشید

باید به کاری قاطعانه‌تر و موکدانه‌تر دست بزنید.

حکما و قدما می‌دانستند که با کاربرد گسترده نفی و انکار می‌توان به‌طور کامل بر اوضاع و شرایط دشوار فایق آمد و آنها را از هم پاشید.

با استفاده از قانون نفی و انکار می‌توانید سخت‌ترین آزمون‌ها را درهم بشکنید. زیرا نفی و انکار از اقتداری پالاینده و رهاننده سرشار است.

هیچ‌چیز به این اندازه ذهن را پاک نمی‌کند که جسورانه به چهره پلیدی بنگرید و همه ادعاهایش را نفی و انکار کنید.

بگویید: «نه‌نه‌نه! چنین نیست! این وضع وجود ندارد. توافقندازی ندارکی.

تو هیچ هستی از برابرم برخیز!

اعتقاد نداشتن به پلیدی، نیش پلیدی را بیرون می‌کشد.

وقتی نیش پلیدی را درآورید، اقتدارش را نیز نابود می‌کنید.

قطعه‌ای از کتاب «قانون شفا»

شاتر

سرآسیاب—معرکه‌گیری در جمعه بازار

عکس: علیرضا رضاییان قدیم